

نقد ترجمه در ایران

مؤلفان:

دکتر امیر داود حیدر پور

دکتر محمدرضا هاشمی

سرشناسه	: حیدرپور، امیرداود ۱۳۶۶ - هاشمی، محمدرضا
عنوان و نام پدیدآور	: نقد ترجمه در ایران / امیرداود حیدرپور، محمدرضا هاشمی؛
ویراستاران	: خلیل قاضی‌زاده، محمد مهدی حیدرپور.
مشخصات نشر	: تهران: عصر ترجمه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۶ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۹۸-۲-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: کتاب حاضر حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد آقای امیرداود حیدرپور است که در سال ۱۳۹۱ در رشته مطالعات ترجمه در دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به راهنمایی دکتر محمدرضا هاشمی از آن دفاع شده است.
موضوع	: ترجمه — ایران — تاریخ و نقد
موضوع	: Translating and interpreting -- Iran -- History and criticism
موضوع	: ترجمه — ایران — تاریخ — قرن ۱۴
موضوع	: 20 th century -- Translating and interpreting -- Iran -- History
شناسه افزوده	: هاشمی، محمدرضا، ۱۳۳۶ - دانشگاه فردوسی مشهد
شناسه افزوده	: Hashemi, Mohammad Reza- Uni Ferdosi Mashhad
رده بندی کنگره	: PIR ۲۸۹۴/ج۹ن۷ ۱۳۹۸
رده بندی دیوب	: ۸۱۶۴/۰۲
شماره کتابشناسی	: ۵۳۶۰۶۳۵



عنوان کتاب: نقد ترجمه در ایران
 مؤلفان: امیر داود حیدرپور، محمدرضا هاشمی
 ویراستاران: خلیل قاضی‌زاده، محمد مهدی حیدرپور
 ناشر: عصر ترجمه

طراح جلد و صفحه آرایی: فاطمه رستمی

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۸

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۹۸-۲-۸

تلفن: ۰۹۳۵۵۳۴۴۴۸۴

asr.tarjomeh@gmail.com

T.me/Asr.tarjomeh

حقوق این کتاب برای انتشارات عصر ترجمه محفوظ است.

پیشگفتار مؤلفان	۹
مقدمه	۱۱
فصل اول: انواع نقد ترجمه از دیدگاه جولین هاوس	۲۷
فصل دوم: مدل های تبدیل محور	۳۷
مدل وینه و داربلنه	۳۹
مدل کتفورد	۴۳
مدل بلوم کالکا	۴۴
مدل زوآرت	۴۷
فصل سوم: مدل های متن محور	۵۱
مدل نیومارک	۵۱
مدل رایس	۵۲
مقوله های یا گونه شناسی متن	۵۷
مترجمه های	۶۳
مقوله های فرا بانی	۷۲
محدودیت های ترجمه	۷۸
فصل چهارم: تاریخ نقد ترجمه در ایران معاصر (۱)	۸۳
۱-۴ - سیمای نقد ترجمه در دهه ۱۳۰۰	۸۷
۱-۱-۴ - مبانی نقد ترجمه ادبی	۹۷
مؤلفه های واژه شناختی نقد	۹۹
مؤلفه های نحوی نقد	۱۰۰
مؤلفه های روش شناختی نقد	۱۰۱
۲-۴ - سیمای نقد ترجمه در دهه ۱۳۳۰	۱۰۳
ویراستاری و نقد مقابله ای	۱۰۵
نقد ترجمه شعر	۱۰۸
نخستین مجله تخصصی نقد	۱۱۰
گرایش نوین در ادبیات انتقادی ترجمه	۱۱۳
اولین نقد اجتماعی ترجمه	۱۲۰

رویکرد اصلاح طلبی	— ۱۲۲ —
بررسی آماری نقد	— ۱۲۶ —
مؤلفه های معناشناختی نقد	— ۱۲۷ —
مؤلفه های واژه شناختی نقد	— ۱۲۸ —
مؤلفه های سبک شناختی نقد	— ۱۳۰ —
مؤلفه های نحوی نقد	— ۱۳۱ —
مؤلفه های روش شناختی نقد	— ۱۳۲ —

فصل پنجم: تاریخ نقد ترجمه در ایران معاصر (۲) — (۱۳۵) —

۵-۱- سیمای نقد ترجمه در دهه ۱۳۴۰	— ۱۳۷ —
----------------------------------	---------

بزرگشت اخلاق به نقد ترجمه	— ۱۵۹ —
---------------------------	---------

نقد ترجمه در سرایشی زوال	— ۱۶۳ —
--------------------------	---------

بررسی آماری نقد	— ۱۶۵ —
-----------------	---------

مؤلفه های معناشناختی نقد	— ۱۶۵ —
--------------------------	---------

مؤلفه های واژه شناختی نقد	— ۱۶۶ —
---------------------------	---------

مؤلفه های نحوی نقد	— ۱۶۸ —
--------------------	---------

مؤلفه های سبک شناختی نقد	— ۱۶۹ —
--------------------------	---------

مؤلفه های روش شناختی نقد	— ۱۷۰ —
--------------------------	---------

۵-۲- سیمای نقد ترجمه در دهه ۱۳۵۰	— ۱۷۲ —
----------------------------------	---------

بررسی آماری نقد	— ۱۸۷ —
-----------------	---------

مؤلفه های معناشناختی نقد	— ۱۸۷ —
--------------------------	---------

مؤلفه های سبک شناختی نقد	— ۱۸۹ —
--------------------------	---------

مؤلفه های روش شناختی نقد	— ۱۹۰ —
--------------------------	---------

فصل ششم: نتیجه گیری — (۱۹۱) —

توسعه کمی نقد ترجمه در ایران معاصر	— ۱۹۹ —
------------------------------------	---------

کتابنامه	— (۲۰۳) —
----------	-----------

کتابنامه فارسی	— ۲۰۵ —
----------------	---------

کتابنامه انگلیسی	— ۲۱۱ —
------------------	---------

توسعه چشمگیر مطالعات ترجمه در چند دهه اخیر و وام‌گیری مفاهیم و رویکردهای سایر رشته‌های علمی همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، ادبیات، تاریخ و علوم سیاسی در ترجمه‌پژوهی، به شاخه‌های مربوط به ترجمه از جمله نقد ترجمه تأثیر گذاشته است و جریان نقد ترجمه، از «عصب جویی» و اشکال تراشی و اظهار نظرات شخصی و غیرمستدل به سوی «ارزیابی کیفیت ترجمه» بر اساس معیارها و مبانی علمی، دقیق و سنجش‌پذیر تغییر داده است.

در این میان نقد ترجمه به عنوان آیینی تمام‌نمای هنرهای حاکم بر ترجمه مقبول در یک فرهنگ از اهمیت بسزایی در مطالعات ترجمه برخوردار است چنانکه در نقشه پیشنهادی هولمز برای ترجمه، این حوزه زیرمجموعه مطالعات کاربردی ترجمه قرار گرفته است؛ در عین حال، به‌رغم اهمیت نقد ترجمه در راهبری عمل ترجمه در یک کشور و نقش مؤثر آن در تولید ترجمه‌های استاندارد در زبان‌پذیرندگان و پذیرش آن در نظام ادبی مربوط و نیز با وجود سابقه نسبتاً روشن این کردار ترجمه‌ای در ایران معاصر، نقد ترجمه در سال‌های اخیر با رکود نسبتاً شدیدی مواجه بوده که رهاورد آن بروز انبوهی از آثار ترجمه‌ای نازل و کم‌مایه است که در مواردی به ساحت زبان فارسی آسیب رسانده و تحمل فارسی‌زبانان را نسبت به ترجمه‌های مغلوط و مبهم بالا برده است.

به‌رغم اهمیت نقد ترجمه در بازنمایی هنجارهای زبانی و فرهنگی یک جامعه زبانی

و ارائه تصویری از ذهنیت اهل آن زبان نسبت به تعریف ترجمه خوب یا بد، پژوهشی جامع در زمینه سابقه سنتی به نام نقد ترجمه در ایران، به‌ویژه در صد ساله اخیر که ترجمه محور مدرنیته و نوسازی جامعه ایرانی در ساحت‌ها و وجوه مختلف بوده، صورت نگرفته است. بر این اساس در سال ۱۳۸۹ انجام پژوهشی با محوریت تاریخ نقد ترجمه در ایران در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی در گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد به تصویب رسید. حاصل آن تحقیق اکنون به صورت این کتاب پیش روی خوانندگان محترم قرار گرفته است. امید می‌رود این پژوهش توانسته باشد با احیای بخشی از تاریخ مغفول ترجمه در ایران معاصر بیش از پیش سابقه و ویژگی‌های ترجمه در ایران را بازنماید و امکان انجام پژوهش‌های کیفی در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی نقد ترجمه را فراهم سازد.

افزون بر این، مانند‌های این تحقیق می‌تواند از یک سو تا حدودی دلایل ناموفق بودن نقد ترجمه و آستانه حمله پاپس مترجمان را نشان دهد و از سوی دیگر با بازنمایی و تحلیل روش‌ها و مبانی به‌کار گرفته شده در سنت نقد ترجمه در ایران، زمینه‌ای برای پی‌ریزی مدلی کارآمد برای نقد ترجمه که متناسب با روحیه و فرهنگ ترجمه و مترجم در ایران باشد، آماده سازد. همچنین بررسی زمینه‌های نظری منتقدان در طرح ایرادات آن‌ها بر ترجمه‌های بررسی شده می‌تواند این امکان را فراهم سازد تا در پژوهش‌های آینده، پیشرفت نظریه ترجمه در صد سال اخیر در ایران مورد بررسی قرار گیرد. علاوه بر این، با تبیین نکات مورد نظر منتقدان در داوری ترجمه، تا حدودی هنجارهای مورد اتفاق ترجمه در ایران قبل از انقلاب بازخوانی و امکان مقایسه آن با شرایط کنونی و در نتیجه بررسی میزان پیشرفت نظری ترجمه در ایران بیش‌تر فراهم می‌گردد.

در اینجا لازم است از زحمات کلیه استادان گرانقدر گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، به‌ویژه جناب آقای دکتر خزاعی فر که موضوع پژوهش حاصل بهره‌گیری از کلاس‌های پربار ایشان بود، قدردانی کنیم.

ارزیابی کیفیت ترجمه عمری به بلندای عمل و نظریه ترجمه دارد چه آنکه هر ترجمه‌ای پس از انتشار دست کم توسط مترجم در مرحله اول و توسط خوانندگان در مرحله بعد ارزیابی کیفی می‌شود. هر نظریه‌ای که شرایط ترجمه خوب را تعریف کرده به نوعی مبنای سنجش کیفیت ترجمه را بنیان ارائه کرده است. شاید از همین روست که نیومارک^۱ (۱۹۹۸، ص. ۱۸۴) نقد ترجمه را «تلف رابطه میان نظریه و عمل ترجمه» می‌داند. در عین حال، کثرت نظریات ترجمه و پراکندگی آراء و عدم توافق بر سر تعریفی جامع و واحد از ترجمه، پراکندگی موازین مطرح برای داوری کیفی ترجمه را در پی داشته است و به نوعی آن را تابع رویکردهای نظری عام به ترجمه در هر فرهنگی ساخته است تا آنجا که کلی^۲ (۱۹۷۹، ص. ۴۷) معتقد است تعیین خوب یا بد ترجمه، همواره تابع رویکردهای قوم‌محور^۳ به نقد بوده است. از همین رو، تعیین ملاک‌های دقیق و سنجش‌پذیر برای ارزیابی کیفی از مهم‌ترین دغدغه‌های صاحب‌نظران ترجمه به‌ویژه در سال‌های اخیر بوده است.

با توجه به کوشش‌هایی که تاکنون در زمینه بررسی کیفیت ترجمه صورت گرفته است، می‌توان ارزیابی ترجمه را به سه گونه مختلف تقسیم کرد:

1. P. Newmark
2. L. Kelly
3. Ethnic-bound

معرفی ترجمه،^۱ نقد ترجمه^۲ و سنجش کیفیت ترجمه^۳. معرفی ترجمه به نوعی ارزش‌سنجی آن از طریق شرح محتوای آن، بررسی سوابق و سبک نویسندگی مؤلف و جایگاه اثر در ادبیات جهان و قضاوت درباره ارزش کلی آن می‌باشد؛ آنجا نیز که پای ارزیابی ترجمه به میان می‌آید منتقدان با عباراتی چون «ترجمه سلیس است»، «ترجمه نیست، اصل است»، «بوی ترجمه نمی‌دهد»، «روان و زیباست» و کلیشه‌هایی از این دست درباره نثر ترجمه و میزان روان و سلیس بودن آن داوری می‌کنند؛ البته گاهی از میزان دقت ترجمه نیز سخن به میان می‌آید. در عین حال نیومارک (۱۹۸۸) نظر مثبتی نسبت به معرفی ترجمه ندارد و آن را روش مناسبی برای قضاوت در خصوص ترجمه نمی‌داند:

بسیاری از کسانی که به معرفی ترجمه دست می‌یازند نه با اصل کتاب آشنایی دارند و نه رفاه بخارجی می‌دانند و مبنای قضاوتشان در ترجمه روان و طبیعی بودن، سلاست، خوش‌خوانی و عاری بودن ترجمه از تراجم زبانی است که همگی آن‌ها معیارها را عملی برای نقد هستند. (نیومارک، ۱۹۹۸، ص. ۱۸۵)

نظر نیومارک در بیشتر موارد درست به نظر می‌رسد، اما نمی‌توان آن را حکمی کلی تلقی کرد و همه معرفان ترجمه را ناآشنا به زبان خارجی دانست، بلکه گاهی، به‌ویژه در فرهنگ‌هایی که تحمل نقد در آن‌ها پایین است، شرایط ایجاب می‌کند ترجمه معرفی شود نه نقد. در عین حال هدف کلی معرفی بیشتر از آنکه ارزیابی ترجمه باشد، آگاه ساختن خواننده از انتشار ترجمه‌های جدید است (بینر و سالدانا، ۲۰۰۹).^۴

بر خلاف معرفی، نقد ترجمه رویکردی کاملاً جدی به ارزیابی ترجمه دارد و هدف اصلی آن، آگاه ساختن خواننده از کیفیت ترجمه و میزان سودمندی آن برای نظام ادبی پذیرنده ترجمه است. از سوی دیگر، در نقد ترجمه صحبت از درست و نادرست است و از همین رو مقابله آن با متن اصلی از ویژگی‌های اصلی نقد به شمار می‌رود. افزون بر این، در نقد، متن ترجمه از نظر زبان‌شناختی به طور عام و معناشناختی، واژه‌شناختی،

1. Translation review
2. Translation criticism
3. Translation quality assessment
4. M.Baker and G.Saldanha

سیک‌شناختی و نحوی به طور خاص و گاه حتی از منظر جامعه‌شناختی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در نقد ترجمه، علاوه بر اینکه خواننده از کیفیت ترجمه مطلع می‌گردد، به نوعی با مبانی و ویژگی‌های ترجمه خوب هم آشنا می‌شود. با توجه به آنچه عنوان شد، نقد ترجمه را می‌توان تا حدودی کلاس عمومی ترجمه نیز قلمداد کرد. همچنین در صورتی که نقد ترجمه به دست ادیبان، زبان‌شناسان و مترجمان شناخته‌شده و صاحب‌نام هر فرهنگ صورت گیرد، می‌تواند انعکاسی از هنجارهای حاکم بر نظام ترجمه در آن فرهنگ نیز باشد.

اما سنجش کیفیت ترجمه که از جدیدترین رویکردهای ارزیابی ترجمه به شمار می‌رود و با کوشش دلاوس^۱ (۲۰۱۵/۱۹۹۷) به نظام نظری ترجمه راه یافته است، کارکردی متفاوت نسبت به دو نوع ارزیابی پیش گفته دارد. هرچند در این مورد نیز سخن از کیفیت سنجی ترجمه در میان است، اما دامنه کاربردی و مخاطب هدف آن با معرفی و نقد ترجمه تفاوت دارد. تقریباً می‌توان گفت سنجش کیفیت ترجمه محدود به محیط‌های آموزشی بوده و به کار آمدن عمده برای آن متصور است: ارزیابی کیفی ترجمه‌های خوب با هدف شناسایی هنجارهای دخیل در تولید ترجمه مقبول و آموزش آن‌ها به دانشجویان و فراگیران ترجمه. ارزیابی کیفی ترجمه‌های دانشجویی (تکالیف کلاسی و برگه‌های امتحانی) با هدف تحلیل خطاهای ترجمه‌ای دانشجویان و شناسایی زمینه‌ها و علل بروز خطاهای پربسامد؛ و طراحی ابزار خوب علمی و مستدل برای نمره‌گذاری ترجمه.

افزون بر این، نقد ترجمه به مثابه آیین هنجارهای حاکم بر تولید و تفسیر ترجمه در هر فرهنگ، از منظر تاریخی نیز واجد ارزش‌های پژوهشی قابل توجه است. و بخشی از مباحث مربوط به تاریخ‌پژوهی ترجمه را به خود اختصاص می‌دهد. به سخن دیگر، واکاوی دلایل و زمینه‌های انجام ترجمه در فرهنگ‌ها و بازه‌های تاریخی مختلف، توجه ترجمه پژوهان را جلب کرده و تاریخ‌پژوهی ترجمه را اهمیتی دوچندان بخشیده است؛ واکاوی شامل انتخاب متون برای ترجمه، هنجارهای حاکم بر فعالیت ترجمه، انگیزه‌های نهان در اقدام به ترجمه در بافت‌ها و شرایط سیاسی اجتماعی حاکم در هر عصر، کنشگران

دخیل در فرایند تولید و توزیع ترجمه در هر برهه تاریخی، اثرات فرهنگی، ادبی، سیاسی و جامعه‌شناختی ترجمه‌ها بر جوامع هدف و مانند آن‌ها می‌شود. شاید بدین دلیل است که برمن^۱ (۱۹۸۴) تدوین تاریخ ترجمه را ضروری‌ترین کار در دوران جدید نظریه ترجمه می‌داند.

یکی از زمینه‌های فعالیت در حوزه تاریخ‌پژوهی ترجمه، تاریخ‌نگاری^۲ ترجمه است. به عقیده وودزورث^۳ (۱۹۹۹، ص. ۱۰۰) تعریف نوع «رابطه میان رخداد‌های گذشته و نگارش تاریخ که به ثبت آن‌ها می‌پردازد» از اهمیت زیادی در تاریخ‌نگاری برخوردار است. از نظر او در این زمینه در سال‌های اخیر تحولی بنیادین رخ داده چنانکه باور قرن نوزدهمی مبنی بر ثبت عینی حقایق و وقایع تاریخی بدون کوچک‌ترین دخالت تاریخ‌نگار جای خود را به «رژنمایش^۴ اندیشه گذشته از دریچه ذهن خود تاریخ‌نگار» داده است. (کالینگوود، ۲۰۰۵، ص. ۲۱۵)

به سخن دیگر، در دهه‌های اخیر تاریخ‌نگار مجاز است نظر خود را در تحلیل و توصیف وقایع تاریخی دخالت دهد. افزون بر این، وودزورث (۱۹۹۹، ص. ۱۰۰) میان تاریخ و تاریخ‌نگاری تمایز قایل است. از سطر تاریخ، بیان «رخداد‌های گذشته در قالب روایی» است و تاریخ‌نگاری «گفتمان^۵ حاکم بر داده‌های تاریخی است که بر اساس اصولی مشخص سازماندهی و تحلیل می‌شود». برهمین اساس او تاریخ ترجمه را ناظر بر عمل یا نظر ترجمه و یا هر دوی آن‌ها می‌داند. مطابق با تعریف او، تاریخ ترجمه در حوزه عملی ترجمه می‌تواند مواردی چون نوع آثار ترجمه شده، مترجمان، شرایط حاکم بر تولید ترجمه و «بافت اجتماعی یا سیاسی» حاکم بر آن را در بر گیرد. در حوزه نظری نیز تاریخ ترجمه به کاوش در مواردی چون نظرات و گفته‌های مترجمان پیرامون حرفه خود، چگونگی ارزیابی ترجمه در ادوار تاریخی مختلف، پیشنهادات مترجمان، نحوه آموزش ترجمه، و چگونگی ارتباط این گفتمان با دیگر گفتمان‌های زمان خود می‌پردازد. نقد ترجمه یکی از زمینه‌های قابل بررسی در تاریخ ترجمه است که به باور نیومارک

(۱۹۸۸) مهم‌ترین جلوه «پیوند نظریه و عمل ترجمه» و نیز آینه تمام‌نمای جایگاه ترجمه در فرهنگ یک ملت است. مگ براون^۱ (۱۹۹۴) بر نقش نقد ترجمه در «آگاه ساختن خوانندگان از ارزش ترجمه‌های تازه انتشار یافته» تأکید می‌کند و ویلیکوفسکی^۲ (۱۹۸۸، ص. ۷۱)، نقد ترجمه را «ابزاری برای توصیف حقایق قابل مشاهده در جریان ارتباط میان دو ادبیات مستقل» می‌داند؛ بیکر (۲۰۰۹، ص. ۲۳۷) نیز نقد ترجمه را فعالیتی مبتنی بر ارزشیابی می‌خواند که در پاسخ به ترجمه‌های منتشر شده ارائه می‌شود. از سوی دیگر، در کشورهایی که ترجمه محترم شمرده می‌شود و بخش مهمی از ساختار ادبی و فرهنگی آن‌ها را تشکیل می‌دهد، ارزیابی کیفیت ترجمه اهمیتی دو چندان دارد که تعیین هنجارهای ترجمه، مقبول و تحمیل آن بر جریان ترجمه از جمله کارکردهای آن به شمار می‌رود. به سخن دیگر، بازخوانی سنت نقد ترجمه، جایگاه ترجمه و مترجم را در یک فرهنگ به روشنی به تصویر می‌کشد (مگ براون، ۱۹۹۴) و شمایی از هنجارهای مقبول زبان شناختی و فرهنگی خاک، بر فعالیت ترجمه در آن فرهنگ و نیز درکی از دغدغه‌های اهل زبان و تصور آنان از ترجمه عواطف مرتبط با آن به دست می‌دهد.

زبان و ادب فارسی در سده اخیر به واسطه تحولات شگرف در ساخت اجتماع، سیاست و فرهنگ ایران، به‌ویژه ورود سربسته‌ها و الیانات آن، ارتباط تنگاتنگی با ترجمه داشته و تأثیرات بسیاری از آن پذیرفته است. در نتیجه این ارتباط تنگاتنگ و تعداد بسیار زیاد ترجمه در حوزه‌های مختلف، نقد ترجمه نیز به‌ویژه در نیمه اول سده جاری در ایران رونق یافته است و بزرگانی از اهل فرهنگ و ادب، این مهم اهتمام ورزیده و سعی در پاسداری از زبان فارسی و صیانت از حریم آن داشته‌اند و دغدغه‌ها را بهانه‌ای برای تمیز سره از ناسره و سنجش عیار زبانی ترجمه قرار داده‌اند. در عین حال به رسمیت این امر در تاریخ معاصر زبان فارسی، کوششی جدی در بازخوانی سنت نقد ترجمه در فارسی صورت نگرفته است، چنانکه تقی‌زاده (۱۳۸۶) ضمن اشاره به اهمیت نقد آثار ترجمه شده ادبی، خلاء پژوهش درباره کیفیت نقدهای نوشته شده در این حوزه را گوشزد می‌کند: «در فرهنگ ما درباره کم‌وکیف نقد و نقدنویسی آثار ترجمه شده ظاهراً نه

تحقیقی صورت گرفته و نه مطلب چندانی نوشته شده است، حال آنکه نقد آثار ترجمه شده ادبی خود بخشی از خلاقیت‌های ادبی است که می‌تواند هم راهنمای مترجمان ما باشد و هم به جامعه کتابخوان ما آگاهی‌هایی بدهد» (۱۳۸۶، ص. ۸۱).

تحقیق حاضر، تا آنجا که محققان اطلاع دارند، در زمان شروع به تحقیق و نگارش اولیه (سال ۱۳۸۹) اولین کوشش جدی در بررسی سنت نقد ترجمه در ایران پیش از انقلاب اسلامی بوده که با هدف بررسی سنت نقدنویسی بر ترجمه در ایران و با رویکرد احیای بخش مهمی از تاریخ ترجمه آن که پیش‌تر مورد توجه قرار نگرفته بود و نیز شناسایی معارضاها، ضوابط نقد در فاصله سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۵۷ صورت پذیرفته است. افزون بر این، تحقیق حاضر در پی آن بوده تا با بررسی مبانی نقدهای صورت گرفته در دوره یاد شده، مکان بررسی‌گرایی نظری منتقدان قبل از انقلاب به ترجمه و مقایسه آن با وضعیت کنونی را ترسیم نماید.

در عین حال، از آنجا که دسترسی به منابع معتبر و متقن از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش‌های تاریخی به شمار می‌رود، تحقیق حاضر نیز از این امر مستثنی نیست و یکی از جدی‌ترین محدودیت‌های آن دسترسی دست‌رسی به منابع بوده است. یکی از مشکلات عمده نقد ترجمه در سال‌های پیش از انقلاب، برآکنندگی آن در مجلات مختلف از یک سو و کمیاب بودن برخی از منابع از سوی دیگر است. افزون بر این، افراد صاحب‌نظری که می‌توان سرنخ برخی از نقدهای نوشته شده در دوره مورد نظر تحقیق را از طریق آن‌ها به دست آورد یا همچون ایرج افشار از دنیا رفته‌اند یا دسترسی به آنان بسیار دشوار است. از این‌رو، نقدهایی که در این تحقیق بررسی شده محدود به مقالاتی است که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

کتاب حاضر که پیش‌تر در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی با عنوان «بررسی انتقادی نقد ترجمه در ایران معاصر (۱۳۲۰-۱۳۵۷)» در دانشگاه فردوسی مشهد نگاشته شده، در پنج فصل تدوین گردیده است که سه فصل ابتدایی آن به مباحث نظری نقد ترجمه، فصل چهارم و پنجم به تاریخ نقد ترجمه در ایران و فصل ششم به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

برای انجام تحقیق حاضر کلیه شمارگان مجلات یادگار (۱۲۹۸-۱۳۲۰)، آینده (۱۳۰۰-۱۳۰۶)، ارمغان (۱۳۰۰-۱۳۲۰)، سخن (۱۳۲۲-۱۳۵۷)، دانش (۱۳۲۸-۱۳۳۲)، انتقاد کتاب (۱۳۳۴-۱۳۴۷)، صدف (۱۳۳۶-۱۳۳۷)، راهنمای کتاب (۱۳۳۷-۱۳۵۷)، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (۱۳۲۷-۱۳۵۷)، کتاب امروز (۱۳۵۰-۱۳۵۷) بررسی گردید که بر این اساس و تا آنجا که منابع موجود اجازه می داد، در فاصله زمانی ۱۲۹۸ شمسی تا ۱۳۲۲، به جز یک مورد، نقد ترجمه دیگری به چشم نخورد.

با توجه به آنچه عنوان شد، مجلاتی که می توانستند در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گیرند به دو گروه تقسیم شدند: مجلات تخصصی نقد؛ مجلات غیر تخصصی نقد. منظور از مجلات تخصصی آن دسته از مجلاتی است که در یک بازه زمانی مشخص در محدوده زمانی پژوهش حاضر به طور پیوسته در زمینه نقد ترجمه فعالیت داشته اند. اما مجلات غیر تخصصی سربلندی ای هستند که به طور موردی به نقد ترجمه پرداخته اند. مجلات تخصصی نقد، ترجمه در دوره مورد نظر چهار عنوان هستند که به ترتیب به بررسی مفاد و شیوه کار آن ها می پردازیم. سخن اولین مجله تخصصی نقد ترجمه به شمار می آید. این مجله از سال ۱۳۲۰ به سردبیری پرویز ناتل خانلری و همکاری ادبی فاضل و جویای نامی چون حسن شهید خورایی، ابی افشار، صادق هدایت و بزرگ علوی پای به عرصه وجود نهاد. سخن بیشتر همت خود را به طرح دغدغه های ادبی و فرهنگی جامعه ایرانی و نیز انتشار مقالات علمی در زمینه های مختلف و نیز ترجمه های ادبی درخور اختصاص داد و از این رو به فعالیتی تأثیرگذار پرداخته به «در حوزه های مختلف ادبی و هنری و اجتماعی و فرهنگی»، به ویژه در حوزه هایی مانند شعر، داستان، ترجمه آثار ادبی و هنری و فرهنگی جهان و تحقیقات و نقد ادبی همت گمارد. (عباسی، ۱۳۹۰، ص. ۲۲۴). دوره نخست حیات سخن «به علت سفر تحقیقاتی خانلری به فرانسه» در پایان سال ۱۳۲۶ به سرآمد، اما این مجله پس از فترتی ۵ ساله، در سال ۱۳۳۱ بار دیگر به عرصه مطبوعات ایران بازگشت و تا سال ۱۳۵۷ بی وقفه به حیات خود ادامه داد که حاصل آن «۲۷ دوره سخن در سی هزار و صد صفحه بود که در تاریخ فرهنگ ما به صورت یک دایره المعارف باقی مانده است».

در واقع مجله سخن که به اعتقاد صادق زاده (۱۳۸۱، ص. ۳۴۴) با هدف «کمک

به پیشرفت و توسعه ادبیات فارسی از طریق نشر آثار نویسندگان و شاعران معاصر و جوان ایرانی، پایه‌گذاری و توسعه نقد ادبی، ترویج تحقیقات علمی و ادبی و شناساندن نویسندگان و شاعران کشورهای دیگر جهان از راه ترجمه پای به میدان فرهنگ و ادب ایران نهاده بود، توانست نقش مهمی در پیشرفت و تحول نشر فارسی ایفا و نویسندگان بزرگی چون جلال آل احمد، صادق چوبک، غلام حسین ساعدی، بهرام صادقی، فریدون مشیری، توللی، مهدی اخوان ثالث، نادر نادرپور، عبدالحسین زرین‌کوب، محمدرضا شفیعی کدکنی، رضا سیدحسینی، محمدعلی اسلامی ندوشن و بسیاری دیگر را به فرهنگ و ادب این مرز و بوم معرفی کند.

از سوی دیگر، سخن در پی ایجاد پیوندی معقول میان سنت ادبی فارسی و گرایش‌ها و سبک‌های نوین ادب غرب بود و از این رو «نه با شیوه سنتی سازگار بود و نه تندروی و بی‌بندوباری. باید بر ستار را برمی‌تافت. لذا راز خلاقیت و سرآمد شدن را در گرو یک دیالکتیک متعادل و استواری است. سنت و میراث نیاکان که برای اثبات آینده و هویت ما ضروری است و گریز از سنت می‌داندست» (عباسی، ۱۳۹۰، ص. ۳۲۴). تحقق این هدف جز با بازنگری در ساختارهای سنتی ادب فارسی و تحول آن‌ها با بهره‌گیری از دانش ادبی روز ممکن نبود؛ به همین دلیل سخن با به‌دادن به نویسندگان نوجو که کارشان تا آن روز کمتر به چشم می‌آمد و نیز ترجمه آثار ادبی غرب زمینه را برای این چرخش ادبی فراهم ساخت که البته در ابتدا با مقاومت جدی ادبی سنتی ادب فارسی روبه‌رو شد. صادق‌زاده در این باره می‌نویسد:

این بحث‌ها بیشتر در مورد شعر جنجال‌برانگیز بود زیرا که در ادبیات فارسی شعر همیشه در مرکز نظام ادبی فارسی قرار داشته و ریشه و سنت دیرینه و پایداری در فرهنگ ایران دارد. به همین دلیل، جامعه ادبی آن زمان مقاومت شدیدی در مقابل هرگونه تغییر و تحول در این نوع ادبی نشان می‌داد. اما در مورد نثر که در حاشیه نظام ادبی فارسی قرار دارد تعصبات کمتر بود. به همین دلیل نثر فارسی زودتر انواع جدید ادبی را پذیرا شد. از طرف دیگر، در تغییر و تحول نظام ادبی فارسی ترجمه آثار نویسندگان خارجی نیز نقش مهمی داشت. ترجمه‌ها و مقالات انتقادی که در حواشی آن‌ها نوشته می‌شد به تدریج معیارهای شعر و نثر را چه از نظر قالب، چه از نظر محتوا دگرگون ساخت.»

با توجه به آنچه گفته شد، نقش پررنگ مجله سخن در هدایت و تعیین هنجارهای ادبی و سبکی فارسی، به ویژه در تغییر موقعیت نثر در مقابل نظم، به خوبی آشکار می شود. از دیگر سو، سخن با انتشار ترجمه های خوب از ادبیات درخور فرنگ و نیز بحث پیرامون شرایط ترجمه مقبول در بازه های زمانی مختلف و نیز برگزاری مسابقه انتخاب ترجمه سال دریچه ای نو بر آسمان ترجمه در ایران گشود و به بهبود کیفیت ترجمه در کشور و ظهور پدیده هایی چون نجف دریابندری و محمد قاضی کمک شایانی کرد. از این رو، می توان سخن را از تأثیرگذارترین مجلات ادبی ایران معاصر قلمداد کرد. این مجله تأثیرگذار در پایان سال ۱۳۵۷ به سکوتی ابدی فرو رفت و برای همیشه از انتشار بازایستاد.

دیگر نشریه تخصصی در حوزه نقد در بازه زمانی مورد نظر، مجله راهنمای کتاب است که به همت انجمن کتاب تهران و با صاحب امتیازی احسان یارشاطر و سردبیری ایرج افشار به سپهر مطبوعات ایران راه یافت. انتشار این مجله در سال ۱۳۳۷ از نقاط عطف جریان مطبوعات در ایران معاصر به شمار می آید؛ این مجله در طول ۲۱ سال انتشار بی وقفه خود توانست سهم مهمی در توسعه فضای سازی مجلات از یک سو و توسعه مرزهای فرهنگی کشور از سوی دیگر ایفا کند. مطلبی در خصوص این مجله می گوید:

ابتدا به نقد کتاب اختصاص داشت، اما از سال دوم و سوم فعالیت خود را اندکی گسترده کرد و مقاله هایی درباره زبان و ادب فارسی، نثرهای خطی، ایران شناسی، تحقیقات اجتماعی، ادبی، تاریخی، فلسفی و زبان شناسی، نقد ادبی، فهرست کتاب های چاپ ایران و... را نیز در بر گرفت. همچنین در اواخر دوران نشر خود نقدهایی را درباره تازه ترین تحقیقات در زمینه مطالعات ایرانی به چاپ می رساند. (مطلبی، ۱۳۹۰، ص. ۲۰)

مجله راهنمای کتاب را می توان طلایه دار نقد ادبی نظام مند در عرصه مطبوعات دانست. هر چند پیش از انتشار این مجله، سخن شالوده نقد ادبی در مطبوعات را پایه نهاده بود، اما نمی توان آن را مجله تخصصی نقد به حساب آورد، حال آنکه راهنمای

کتاب اساساً مختص نقد ادبی بود و از همان ابتدا، هدف غایی و انگیزه اصلی حضور مطبوعاتی خود را معرفی آثار ارزشمند علمی و ادبی به دوستداران آگاهی و نیز دستمایه قرار دادن نقد برای اصلاح اوضاع نابسامان انتشار کتاب در کشور عنوان کرد:

منظور انجمن کتاب از انتشار این مجله نخست کمکی به دوستداران دانش و فرهنگ و خوانندگان و پژوهندگانی است که در پی آنند تا بدانند چه آثاری در رشته مطلوب آن‌ها منتشر می‌شود و ارزش این آثار چیست و کدامیک درخور مطالعه است. دوم کوششی است در اصلاح تدریجی آثاری که در ایران انتشار می‌یابد از راه نقد درست و با طرفاء کتاب. (یارشاطر، ۱۳۳۷، ص. ۱)

ایرج افشار نیز در مقدمه بازچاپ راهنمای کتاب در سال ۱۳۳۷، ضمن اشاره به دلایل «یک‌گرمی این مجله، ترویج «نقد و بررسی منصفانه کتاب» را از مهم‌ترین اهداف راهبردی راهنمای کتاب برمی‌شمرد. از سوی دیگر، یارشاطر حوزه‌های فعالیت راهنمای کتاب را در سه جزء اصلی و دو فصل ضمیمه تعریف می‌کند:

یکی وصف و معرفی ابر «ی کتاب‌هایی که در آن فصل انتشار یافته، دیگر بحث و انتقاد کتبی که از جهتی در آن توجه مخصوص اند و می‌توان آن‌ها را کتب برگزیده برشمرد. سوم اخبار و اطلاعات عمومی درباره کتاب. از این گذشته فصلی بمعرفی کتبی که فضایی خارجی درباره ایران و فرهنگ و تاریخ و تمدن آن انتشار می‌دهند اختصاص خواهد داشت. همچنین فصلی به منتخبات از کتاب‌های تازه اختصاص داده می‌شود که قسمت دیگری است از مطالب و خواندنی آن‌ها جهت آگاهی خوانندگان مجله نقل خواهد شد. (۱۳۳۷، ص. ۳)

راهنمای کتاب نیز مانند سایر مجلات مستقل ادبی در ایران در طول دوران انتشار خود هرگز طعم ثبات را نچشید به طوری که در «سال اول به صورت فصلی، سال دوم ۵ شماره در سال، سال سوم دوماه‌نامه و از سال چهارم به صورت ماهانه منتشر شده است». (مطلبی، ۱۳۹۰، ص. ۲۱)

از آنجا که مدیریت این مجله را صاحب‌دانشانی چون احسان یارشاطر و ایرج افشار بر عهده داشتند که علاوه بر تسلط بر ادبیات، بر فنون کتابداری و مدیریت نشر نیز احاطه داشتند، این مجله به لحاظ استانداردهای چاپ و نشر نیز جایگاهی ممتاز در

میان نشریات هم عصر خود دارد، چنانکه مطلبی (۱۳۹۰، ص. ۲۲) «انتشار نمایه‌ای جامع و علمی از مطالب منتشر شده شامل فهرست نویسندگان، مقالات و مطالب، مطالب متفرقه، فصول مجله، فهرست الفبایی تقسیم‌بندی کتاب‌ها و فهرست کتاب‌ها در پایان هر سال» را از امتیازات راهنمای کتاب و نشان از دانش بالایی گردانندگان آن از «نظام‌های اطلاع‌رسانی» می‌شمارد.

مجله انتقاد کتاب دیگر نشریه نقد است که انتشار آن در سال ۱۳۳۴ را می‌توان از دیگر نقاط عطف تاریخ مطبوعات کتاب‌گزار در حوزه نقد ادبی در ایران دانست. این مجله که به کوشش انتشارات نیل به قلمرو مطبوعات ایران راه یافت و چهار دوره زمانی متناوب را در حیات مطبوعاتی خود تجربه کرد، توانست با پی‌گیری جدی بحث نقد ادبی، گام بلندی در گذار جامعه ادبی ایران از نقدهای سطحی، غلوآمیز، ستایشگر و آمیخته به حب و بغض به سوی نقد جدی، روشنگر و آگاهاننده بردارد. در دوره اول انتشار انتقاد کتاب که از اول آذرماه ۱۳۳۴ آغاز می‌شود و در اسفند ۱۳۳۵ پایان می‌یابد، راهبرد مجله بیشتر بر پی‌ریزی الگوی نقد ادبی جدی و مستدل و نیز ایجاد زمینه برای پذیرش آن در میان اهلبه ادب است. کانون انتشارات نیل در مقدمه اولین شماره این مجله هدف اصلی از انتشار انتقاد کتاب را معرفی و نقد آثار درخور داخلی و خارجی عنوان می‌کند:

کانون انتشارات نیل با احساس وظیفه خود در قبال خوانندگان عزیز، اولاً کوشش می‌کند بهترین آثار با ارزش نویسندگان و شعراء اعم از تألیف یا ترجمه را انتخاب و منتشر کند. ثانیاً، هر ماه جزوه‌های انتقاد کتاب را، که در آن و کتاب به طور کامل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و معرفی مختصری هم رسای کتاب‌های تازه به عمل می‌آید، چاپ می‌کند و در دسترس خوانندگان گرامی می‌نهد. (انتقاد کتاب، ۱۳۳۴، ص. ۱)

در دوره اول انتشار انتقاد کتاب «جز نقد، معرفی و اعلان کتاب»، مطالبی چون «کند و کاو در کتاب‌های خیلی جدی، سؤال درباره کتاب‌های انتشارات نیل، مطبوعات ایران و کتاب زندگی من، قسمتی از یک کتاب و از میان ترجمه‌ها» و نیز «ترجمه نقد کتاب‌های فارسی در مجله‌های خارجی» به چشم می‌خورد. افزون بر این، در دوره یاد

شده «مجموعاً ۱۰۳ عنوان معرفی کتاب و ۳۰ نقد در انتقاد کتاب به چاپ رسیده است» (قاسمی، ۱۳۸۲، ص.ص. ۱۰۸-۱۰۷).

دوره دوم انتشار انتقاد کتاب که بیش از هر چیز به پایه‌گذاری اسلوب نقد علمی با بهره‌گیری از نظرات برخی ادبای غرب و مجهز ساختن مخاطب عام به دانش لازم برای تشخیص کتاب خوب از ناخوب اختصاص دارد، «مشمول بر ۸ شماره است که از فروردین تا اسفند ۱۳۴۳ طبع شده است» (قاسمی، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۱). در مقدمه شماره اول از دوره دوم، راهبرد مجله این چنین ترسیم می‌گردد:

در این دوره انتقاد کتاب، مقالاتی نیز درباره شیوه انتقاد از نویسندگان و منتقدان بزرگ ترجمه و چاپ خواهیم کرد. باشد که راه و رسم صحیح انتقاد کتاب را با بررسی اصولی‌تر معمول سازیم؛ روشی که خواننده را در خواندن کتاب راهنمون باشد. نیروی سنجش و قضاوت صحیح را در او تقویت کند. (انتقاد کتاب، ۱۳۴۴، ص. ۲)

دوره سوم انتشار انتقاد کتاب را می‌توان دوره تثبیت نقد ادبی حرفه‌ای در این مجله قلمداد کرد. در این دوره که از سردی ۱۳۴۲ تا اردیبهشت ۱۳۴۶ به طول انجامید، «مجموعاً ۱۹۱ عنوان کتاب و ۲ عنوان مجله معرفی شده‌اند و ۳۲ عنوان نقد» منتشر شده است (قاسمی، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۴). در این دوره، منتقدانی چون رضا داوری، داریوش آشوری، مصطفی رحیمی، یدالله... رویایی، احمد کریمی، رضا سیدحسینی، م. روشن، عبدا... توکل، مصطفی علیزاده، ابراهیم مکار، رضا براهنی، د. کامیار، جلال آل احمد، م. آزاد، فریدون کیانی و حسن انوری نقد ادبی و بعضاً نقد ترجمه نوشته‌اند.

افول نقد ادبی و حاشیه‌نشینی نقد کتاب اعم از ترجمه و تألیف شاخصه بارز دوره چهارم انتشار انتقاد کتاب است. این دوره که از تیرماه ۱۳۴۷ تا بهمن ماه این سال را در برمی‌گیرد، حاوی ۵۸ عنوان معرفی کتاب و ۸ نقد است. از دیگر ویژگی‌های انتقاد کتاب در این دوره گشودن صفحه‌ای است با عنوان «کتاب در ایران و جهان» که در شماره چهارم به چاپ رسید و دربردارنده خبرهای کتاب‌های آماده چاپ است. در دوره چهارم، به نقد کتاب کمتر توجه شده و بیشترین مطالب در این دوره شعر و مقالات ترجمه شده است.